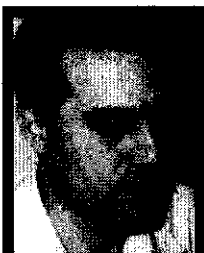


تا پایان سال ۸۳ نزدیک به ۴ میلیون بیکار در سنین ۱۵ تا ۲۹ وجود خواهند داشت.



صغر قاسمی

کارگران؛ تلاش برای برپایی "دولت رفاه"

جامعه کارگری نقش موثر و پررنگی را در تحولات آینده کشور بازی خواهد کرد. پس از دو دهه "بازی در میانه" اکنون نشانه‌هایی به چشم می‌خورد که این قشر از جامعه می‌رود سهم وسیع‌تری را از شکل‌دهی به تحولات آینده

بر عهده گیرد.

مدعای ما معطوف به چند پارا دایم است: وزیر سابق کار (صفدر حسینی) در آذرماه سال گذشته اعلام داشت که میزان بیکاری، ۲/۸ درصد کاهش یافته است. این نرخ، با اجرای برنامه‌های مختلف دولت در زمینه‌های تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال از رقم ۱۴ درصد در سال ۷۹ به ۱۱/۲ درصد در سال ۸۲ کاهش یافت. براساس آمار اعلام شده از سوی وزارت کار نرخ بیکاری در سال‌های ۷۹، ۸۰ و ۸۱ به ترتیب ۱۴/۲۵، ۱۴/۲ و ۱۲/۸ درصد بوده است اما به رغم این آمارهای موفقیت‌آمیز تنها در سال ۸۱ دو میلیون و ۵۰۰ هزار بیکار در کشور وجود داشته است. این در حالی است که از جمعیت ۶۶ میلیون نفری ایران در این دوره، از هر سه نفر، یک نفر در سنین ۱۵ تا ۲۹ سالگی قرار داشته و برآوردها نشان می‌دهد که سالانه بیش از ۷۰۰ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند. با این روند تا پایان سال ۸۳ نزدیک به ۴ میلیون بیکار در سنین ۱۵ تا ۲۹ وجود خواهند داشت.

این در حالی است که آمار مشخصی در رابطه با تعداد نیروی کار در بخش‌های مختلف بی‌کار شده‌اند، انتشار نیافته است. با توجه به اینکه بیش از ۴۰ درصد نیروی کار کشور در شکل‌های قراردادی و پیمانی با عدم امنیت شغلی مواجه هستند (این آمار جدای از کارگران روز مزد و فصلی است)، برای وضعیت صنایع می‌تواند تا اندازه‌ای ما را به دریافت این نکته که آمار بیکاران در میانه سیاست تعدیل ساختاری بیش از رقم اعلام شده است، یاری رساند طبق اعلام بانک مرکزی نتایج بررسی کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور نشان می‌دهد که در سال گذشته پنج صنعت کشور با کاهش شاخص تولید در دوره مذکور قرار داشته‌اند. صنایع تولید چرم، سیگار، منسوجات و محصولات فلزی از جمله صنایعی هستند که در سال گذشته با افت شاخص تولید از ۴۲/۱ درصد تا ۳/۸ درصد مواجه بودند. این در حالی است که در سال ۱۳۸۱، تنها چهار صنعت کشور از جمله تولید چرم، پوشاک، کاغذ و فلزات اساسی با افت ۴۳/۵



درصد تا ۷۱ درصدی شاخص تولید در شرایط رکود قرار داشته‌اند. به این ترتیب در سال گذشته یک صنعت به مجموع صنایع را کد کشور افزوده شد این در حالی است که به تبع افزایش صنایع راکد کشور، صنایع پررونق نیز از ۳۲ صنعت در سال ۸۱ به ۳۱ صنعت در سال ۸۲ کاهش یافته است.

وضعیت تولیدکنندگان لوازم خانگی و از جمله رادیو و تلویزیون نیز با قاچاق روزافزون کالا، در سطح بحرانی قرار دارد.

این صنعت بیشترین کاهش شاخص تولید را در میان صنایع کشور به خود اختصاص داده است. صنعت تولید سیگار نیز که در سال ۸۱ با رشد ۳/۶ درصدی شاخص تولید در میان صنایع پررونق قرار داشت متأسفانه در سال گذشته با افت شدید ۲۳/۴ درصدی شاخص تولید و نزول آن به ۸۷/۴ واحد، در رتبه دومین صنعت راکد کشور قرار گرفت.

در چنین شرایطی شاخص اشتغال کارکنان ۳۲ صنعت از مجموع ۳۶ صنعت کشور، کاهش یافته است. صنایع تولید چرم، با کاهش ۵۹/۸ درصدی شاخص اشتغال کارکنان خود بیشترین میزان تعدیل نیرو را در سال گذشته انجام داده است. صنایع تولید منسوجات و پوشاک نیز با ۲۳ و ۱۵/۲ درصد کاهش در شاخص اشتغال کارکنان، بالاترین میزان تعدیل نیرو را به خود اختصاص داده‌اند.

به نظر می‌رسد روند تعدیل نیرو با توجه به ساختار برنامه چهارم توسعه در راستای سیاست خصوصی‌سازی و ... همچنان ادامه یابد و بازار کار متحمل حجم بیشتری از تعداد نیروی کاری کار شده شود. کاهش ۵ درصدی شاخص اشتغال کارکنان ۳۲ کارگاه بزرگ صنعتی در سال ۸۲ در حالی رخ داد که در سال ۸۱ تنها ۹ صنعت از مجموع ۳۶ صنعت با کاهش شاخص اشتغال کارکنان مواجه بودند.

اما گذشته از وضعیت کارگرانی که در بخش‌های مختلف اقتصادی، شامل بخش‌های صنعتی، عمرانی و خدماتی به جمع بیکاران می‌پیوندند، کارگران شاغل نیز با چالش‌های مختلفی روبرو هستند. براساس آمار بانک



مرکزی و سازمان مدیریت، مبلغ ۲۰۰ و ۲۵۰ هزار تومان به ترتیب برای یک خانوار چهار نفری روستایی و شهری به عنوان خط فقر اعلام شده است.

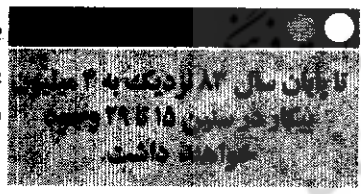
اما نظام نامناسب تعیین دستمزد که معطوف به استراتژی سه جانبه‌گرایی است و نظام برنامه‌ریزی کشور از، ایجاد هرگونه تعادل میان سطح دستمزد در مقایسه با خط فقر و جلوگیری از کاهش ارزش افزوده بخش‌های تولیدی و خدماتی اقتصادی، عاجز مانده است.

شرایط هنگامی به آستانه بحران نزدیک می‌شود که دریابیم (گذشته از کارگران مرفه برخی صنایع مانند صنایع خودروسازی و مواد شوینده و...) کارگران شاغل صنایع، گاهی تا سقف یک یا دو سال از دریافت حداقل دستمزد و مزایای خود محروم مانده‌اند.

اعتصاب که گاه معلمان در مقاطع گوناگون که بر خلاف اعتصاب یا اعتراض کارگران صنایع انعکاس وسیع‌تری در رسانه‌های داخلی و خارجی یافته، نشان می‌دهد که اکنون حتی کارگران یقه سفید نیز که در گذشته از رفاه مناسبی برخوردار بودند، به نقطه بحران نزدیک‌تر می‌شود.

اما نکته در خور توجه این است که دریابیم همه واکنش‌های جامعه کارگری تنها برای به چنگ آوردن حداقل حقوق نیست؛ اعتصاب کارگران که برای برخوردار شدن از سهام ترجیحی رخ داد، نشان می‌دهد که کارگران مرفه صنایع نیز، با وجود داشتن حداقل حقوق خواهان ارتقای سطح معیشت و رفاه زندگی خویش هستند.

با اجرایی شدن برنامه سوم، توسعه در شکل تهاجمی در اقتصاد آسیب دیده پس از جنگ آغاز شد. تکنوکراتهایی که در این دوران سکان اقتصاد کشور را به دست گرفتند، با آگاهی به تبعات چنین شیوهی توسعه‌ای، به انجام آن کمر بستند. استراتژی این کابینه‌های عملگرا، طرفدار توسعه صنعتی معطوف به نولیبرالیسم و به لحاظ سیاسی اقتدارگرا در مقابل واکنش لایه‌های متوسط و زیرین جامعه در برابر فشارها و خسارات ناشی از چنین روش توسعه نیز یک گام به عقب و در فرصت مقتضی، دو گام به پیش بوده است. البته گاه در این میان اگر مجال می‌افتاد، از



بکاربردن حربه‌های امنیتی و پلیسی برای مهار واکنش‌ها، فروگذاری نمی‌شده.

آنچه از برنامه چهارم توسعه بر می‌آید نشان می‌دهد

که سیاست‌های اقتصادی سال‌های آینده همچنان بر پاشنه گذشته خواهد چرخید.

خانه کارگر در آستانه اول ماه مه در روز جهانی کارگر با فراخوان کارگران برای تجمع در مقابل سازمان مدیریت، در بیانیه‌ای علل تجمع را چنین اعلام داشته بود: "براساس برنامه چهارم، کارفرمایان ملزم به بیمه کردن کارگران نمی‌باشند و کلیه تعهدات تامین اجتماعی از آنها سلب می‌شود و کارگران دیگر نمی‌توانند از درمان و بازنشستگی و آنچه در قانون فعلی تامین اجتماعی وجود دارد، بهره ببرند از سوی دیگر متلاشی کردن بنگاه‌های بزرگ در طول



شد. اتخاذ شعارهای معطوف به عدالت اجتماعی از سوی آبادگران در انتخابات مجلس هفتم و سیاست‌های شورای شهر و شهرداری تهران در اجرای برنامه‌هایی با هدف ترمیم روانی قشرهای آسیب دیده، حکایت از آغاز دوره‌ای دارد که بر اثر آن فشار و واکنش لایه‌های متوسط و زیرین اجتماعی، برنامه‌های اقتصادی را به سمت توجه به پارادایم‌های انسانی سوق می‌دهد. حرکتی که شاید منجر به شکل‌گیری نوعی دولت رفاه با برنامه تامین اجتماعی موثر و کارا و کاهش هزینه توسعه برای قشرهای آسیب‌پذیر در ساختار سیاسی شود.

اما آیا گروه‌ها و جناح‌های سیاسی قادر به شکل‌دهی به چنین نظام اقتصادی خواهند بود یا آنکه فشار قشرهای متوسط و زیرین اجتماعی را، گروه‌های جدیدی در آرایش سیاسی تازه‌ای، مدیریت خواهند کرد؟

برنامه سوم (در شکل خصوصی سازی) به انحلال و خرد شدن ثروت صنعتی کشور و تعطیل بسیاری از بنگاه‌های کوچک‌تر مجموعه‌های واگذار شده نظیر ۲۲۵ شرکت سازمان منحل صنایع ملی، آنهم به نفع عده‌ای خاص و به زیان نیروی کار این مجموعه‌ها انجامید. ادامه این شیوه واگذاری در برنامه چهارم حاکی از آن است که راه غلط همچنان به جای اصلاح ادامه دارد. آیا تداوم وضعیت ادعایی در بنیانه خانه کارگر در خلال برنامه چهارم در شکل برنامه سوم ممکن است؟ و می‌توان با استراتژی در یک گام به عقب و در فرصت مقتضی دو گام به پیش، در کنار حربه‌های گه‌گاه پلیسی، واکنش‌های قشرهای آسیب دیده از سیاست‌های اقتصادی اصلاحی را مهار کرد؟

آنگونه که امارهای ذکر شده سطح بحران بخش‌های مختلف اقتصاد به تبع آن معضلات نیروی کار کشور را نشان می‌دهد، استراتژی نولیبرال‌های تکنوکرات در میانه برنامه چهارم، با بن بست غیرقابل عبوری مواجه خواهد